

بسم الله الرحمن الرحيم

فیش منبر

عید سعید غدیر

آیات قرآن در زیارت غدیر (استاد قرائتی)



تهیه در کانال فیش منبر و مرثیه در ایتا

<https://eitaa.com/fishemenbar>

عرضه در سایت طلبه یار = <http://www.talabeyar.ir>

نکته بسیار جالب در زیارت روز غدیر این است که در این زیارت تقریباً ۲۳ آیه قرآن بیان شده است. این خودش یک پیامی دیگر برای ما دارد. که حرف‌هایتان قرآنی باشد.

یک زیارتی برای امیر المومنین در روز غدیر است از امام نقل شده که این زیارت را می‌شود هر روز خواند. در هر زمانی هم می‌شود خواند. لازم نیست در مقابل قبر باشیم. در هر زمان، در هر مکان، این زیارت قابل خواندن است.

آیات قرآن در زیارت روز غدیر

نکته بسیار جالب در زیارت روز غدیر این است که در این زیارت تقریباً ۲۳ آیه قرآن بیان شده است. این خودش یک پیامی دیگر برای ما دارد. که حرف‌هایتان قرآنی باشد.

زینب کبری علیها السلام در شام سخنرانی کرد، سخنرانی‌اش از قرآن موج می‌زند. فاطمه زهرا (سلام الله علیها) وقتی دید حق شوهرش را ندادند یک سخنرانی کرد، سخنرانی‌اش از قرآن موج می‌زند.

اگر قرار است در جایی سخنرانی داشته باشیم، روی منبر صحبت کنیم، بیشتر حرف‌هایمان باید از قرآن باشد. آیه‌اش این است.

«لَتُبَيِّنَنَّ لِلنَّاسِ» (نحل/ ۴۴)

یعنی برای مردم بیان کن. چه چیزی را؟ «ما نُزِّلَ» آنچه را که نازل شده برای مردم بگو.

این خیلی جالب است که در این زیارتنامه بیست و چند تا آیهی قرآن است. حالا زیارتنامه را با هم بخوانیم.

امام، صراط مستقیم دین

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا دِينَ اللَّهِ الْقَوِيمِ»

علی جان سلام بر تو، دین قویم تو هستی. دین قویم همان قرآن است

«ذَلِكَ دِينُ الْقِيَمَةِ» (بینه/۵)

«وَصِرَاطُهُ الْمُسْتَقِيمُ»

امام صادق(علیه السلام) فرمود: صراط مستقیم صراط علی بن ابی طالب(علیه السلام) است.

«السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ الْعَظِيمُ الَّذِي هُمْ فِيهِ مُخْتَلِفُونَ.»

«نباء» خبر بزرگ تو هستی.

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ الْحَقُّ الَّذِي نَطَقَ بِوَلَايَتِكَ التَّنْزِيلُ»

یا علی تو کسی هستی که خدا تعریف را می کند. چه گفته؟ گفته :

«إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ»

خدا مشتری است. خدا جان را می خرد. مال را به بهشت می خرد. تو جان را به خدا فروختی. مالت را به خدا فروختی.

در قرآن فرموده :

«وَجَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ» (حج/۷۸)

اگر جهاد می کنید، حق جهاد. در زیارت داریم که «جاهد فی الله حق جهاده»
علی جان تو سیمای قرآنی، وجود تو قرآن مجسم است.

امام در میادین جنگ و جهاد

«السلام علیک یا ابالحسن یا امیرالمؤمنین»

در زیارتنامه می گوید، قرآن درباره ی تو گفت :

«فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ» (نساء/۹۵)

مجاهدین بر قاعدین فضیلت دارند. فاتح خیبر تو بودی. هیچ یک از اصحاب پیغمبر به اندازه امیرالمؤمنین در جبهه نبود.

«فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ أَجْرًا عَظِيمًا.»

حضرت امیر (علیه السلام) رد می شد دو نفر به هم افتخار می کردند. او می گفت :
کلیددار کعبه من هستم. او می گفت: مسئول آبرسانی به حجاج من هستم. حضرت
فرمود: والله من کلیددار نیستم، مسئول آب دادن هم نیستم. اما من قبل از شما دو
تا به پیغمبر ایمان آوردم. سابقه‌ی ایمانی من بیش از شماست. خیلی به آنها
برخورد. چون آنها یک خرده ریش سفید بودند، حضرت علی (علیه السلام) هم
جوان بود. رفتند گفتند: یا رسول الله! چنین شده است. آیه نازل شد،

«أَجَعَلْتُمْ سِقَايَةَ الْحَاجِّ» «توبه/ ۱۹»

«سِقَايَةَ الْحَاجِّ»، «سقایه» یعنی سقایی است. آب دادن، «أَجَعَلْتُمْ سِقَايَةَ الْحَاجِّ وَ
عِمَارَةَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ» «کلید داری کعبه و آب دادن به حاجی‌ها را شما کنار ایمان
گذاشتید؟ ایمان کجا و آنها کجا؟ مقایسه نکنید. قابل مقایسه نیست.

یک کسی به شما بگوید: من هم شما را دوست دارم، هم کشمش را. خوب این
فحش به شما است». «أَجَعَلْتُمْ سِقَايَةَ» «چه چیزی را کنار چه چیز می گذارید؟

ولایت، تداوم بخش رسالت

علی که بود؟

وزن امیرالمؤمنین (علیه السلام) در قرآن هم وزن توحید و نبوت است. خدا در
قرآن در سه جا به پیغمبر اولتیماتوم می دهد. می گوید: پیغمبر

«لَنْ أَشْرَكَتَ لِيَحْبَطَنَّ عَمَلُكَ» «زمر/ ۶۵»

مشرک شوی، عملت نابود است.

اگر به قرآن یک کلمه اضافه کنی،

«وَلَوْ تَقَوَّلَ عَلَيْنَا بَعْضَ الْأَقَاوِيلِ» (حاقه/ ۴۴)

اگر به قرآن کلمه‌ای اضافه کنی، این رگ را که رگ گردن است قطع می‌کنم.

«يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ» (مائده/ ۶۷)

علی(علیه السلام) را معرفی کن، علی(علیه السلام) را معرفی نکنی ۲۳ سال زحمت تو نابود است. خیلی مهم است. ولایت خیلی مهم است. اگر از توحید بیرون بروی، «لَيَحْبَطَنَّ» عملت نابود است. از قرآن بیرون بروی، نابودی. علی(علیه السلام) را معرفی نکنی، نابود هستی.

«وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ»

اگر نگویی نابود هستی.

ما سابق شنیده بودیم می‌گفتند: نماز بی‌ولایت قبول نیست. معلوم می‌شود نبوت بی‌ولایت هم قبول نیست. چون خدا به پیغمبرش می‌گوید: اگر علی(علیه السلام) را معرفی نکنی نابودی! نه نماز بی‌ولایت، رسالت بی‌ولایت هم، نباید عقیده داشته باشیم.

رعایت حقوق بشر، حتی با قاتل و اسیر

تمام حقوق دانان بشر، تمام حقوق دان‌ها دکترهای حقوق کره‌ی زمین جمع شوند، بگوییم: این حق است. امیرالمؤمنین (علیه السلام) سرش شکافته است. لیوان شیر برایش آوردند، فرمود: نصف این شیر را به ابن ملجم بدهید. گفتند: آقا قاتل است. گفت: بله! قاتل است، به جزایش می‌رسد. اما فعلاً که اسیر است باید او هم مثل من شیر بخورد. نصف لیوان شیر. این حقوق بشر است.

درود بر اسلام!

اسلام حقوق بشر را می‌گوید. می‌گوید: اگر می‌خواهی نماز جمعه بروی، از شب جمعه بیست ساعت قبلش پیاز نخور. ممکن است بوی پیاز در دهانت باشد، فردا ظهر یک کسی کنارت بنشیند از بوی پیاز دهان تو ناراحت شود. این را می‌گویند: حقوق بشر.

آیه‌ای در قرآن، می‌گوید :

«لَا يَخَافُونَ يَوْمَهُ لَوْمَةً لَّائِمَةً» (مائده/ ۵۴)

مردانی هستند که از ملامت‌ها، که در سایت‌ها آمده، در اینترنت آمده، ماهواره‌ها آمده، مجله‌ها، روزنامه‌ها، بولتن‌های محرمانه، هرچه می‌خواهد باشد، باشد. تکان نمی‌خورند.

نقل شد که دکتر بهشتی (ره) به امام فرمود: طرفداران بنی صدر به من جسارت می‌کنند. امام فرمود: چه صدایی می‌آید؟ بهشتی گوش داد، دید مردم پشت دیوار

می‌گویند: روح منی خمینی، بت شکنی خمینی! امام فرمود: آقای بهشتی، مردم کره‌ی زمین پشت این دیوار به من درود بفرستند، یا به من نفرین کنند، در من اثری ندارد. شما اگر در دستت طلا است، همه‌ی کره‌ی زمین بگویند: سفال است، سفال است. آرامش داری .

«أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ» (رعد/ ۲۸)

کسی که راهش درست است هرچه می‌خواهند دیگران بگویند، بگویند. با متلک از کارش دست برنمی‌دارد.

وقتی در کار خدا خشن است

در یکی از جبهه‌ها آمدند گفتند: یا رسول الله! این علی همه چیزش خوب است. یک خرده خشک است. خشک است. مثلاً حالا یک کسی رفته یک غنایمی، یک شمشیری، انگشتی، چیزی غنایم گرفته. اصرار می‌کند که نه پس بده. پس بده. یک خرده خشن است. می‌دانید چه گفت؟ فرمود: علی خشن است. «لَخَشِنٌ» بله، امیرالمؤمنین (علیه السلام) خشن است. لکن

«فِي ذَاتِ اللَّهِ» «بحار الانوار/ ج ۴۱/ ص ۱۱۶)

در کار خدا خشن است. یعنی با کسی معامله نمی‌کند.

یک آیه داریم

«فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ» «مائده/۵۶)

این جمله‌ی هم در زیارت امیرالمؤمنین (علیه السلام) است. می‌خواهد بگوید تو جزء حزب الله هستی. البته حزب الله را قرآن گفته چه کسانی هستند.

بی‌خود کسی به خودش حزب الله نگوید. آخر گاهی وقت‌ها برمی‌دارند یک شب‌نامه فحش می‌دهند به هر کس دلشان بخواهد. امضا می‌کنند حزب الله! حزب الله فحش می‌دهد؟ تو اگر حزب‌اللهی هستی چرا فحش می‌دهی؟

کسی به ظاهر نمی‌داند ریش و اینها حزب‌اللهی نمی‌شود. البته ریش یک کمالی است، تراشیدنش هم حرام است. اما فقط ریش هم نیست. هم ریش و هم ریشه! حزب الله را در زیارت‌نامه‌ی امیرالمؤمنین (علیه السلام) می‌گوید: تو هستی.

پیروز امتحان‌های الهی

«وَيُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ» «انسان/۸)

در قرآن تعریف ابراهیم را می‌کند. ابراهیم خیلی امتحانات سختی داشت. می‌دانید بزرگترین امتحان ابراهیم چه بود؟ تقریباً صد سال بچه‌دار نمی‌شد، خیلی دعا کرد بچه‌دار شود. حالا هم که بچه‌دار شد، خدا به او گفت: این بچه را در بیابان‌های مکه

بگذار و برو. یک بچه‌ی کودک با یک مادر جوان در بیابان داغ، بعد هم حالا بزرگ که شد، ده، سیزده ساله شد گفت: ابراهیم بچه‌ات را بکش. که قرآن می‌گوید: خیلی امتحان سختی است. خیلی امتحانش سخت است. آدم صد سال در انتظار بچه باشد، حالا که ده، سیزده سالش است، می‌گوید: چاقو را بگذار و با دست خودت بکش.

در زیارتنامه حضرت امیر آمده،

«يَا أَبْتَ أَفْعَلْ مَا تَقُومُ» «صافات/ ۱۰۲»

وقتی پدرش حضرت ابراهیم گفت:

«إِنِّي أَرَى فِي الْمَنَامِ أَنِّي أَذْبَحُ» «صافات/ ۱۰۲»

اسماعیل جان، من مأمور شدم تو را ذبح کنم. فرمود: «يَا أَبْتَ» بابا جان! «أَفْعَلْ» انجام بده، «مَا تَقُومُ» امر خداست، انجام بده. بعد می‌گوید: علی جان، تو هم وقتی گفتند: جای پیغمبر بخواب، خوابیدی! همینطور که اسماعیل خوابید، تو هم خوابیدی. اسماعیل آماده شد ذبح شود، تو هم آماده شدی کشته شوی. بزرگ‌ترین امتحان ابراهیم یک شب حضرت علی (علیه السلام) بود. بزرگ‌ترین امتحان حضرت ابراهیم کشتن بچه‌اش بود. این یکی از کارهای حضرت علی (علیه السلام) بود.

ابن ابی الحدید از علمای اهل سنت است. می‌گوید: آیه

«مَنْ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ» (بقره/۲۰۷)

آیه‌ای است که حضرت علی (علیه السلام) جای پیغمبر خواید. تمام مفسرین آیه را مربوط به حضرت علی (علیه السلام) دانستند و جز کافر یا دیوانه این را انکار نمی‌کند. یعنی اگر کسی این را قبول نکند، یا کافر است یا دیوانه.

ابن ابی الحدید سنی این را می‌گوید.

وقتی خدا به موسی (علیه السلام) گفت که

«وَاجْعَلْ لِي وَزِيرًا مِّنْ أَهْلِي، هَارُونُ أَخِي» (طه/۲۹ و ۳۰)

خدا به موسی گفت: نزد فرعون برو. گفت: هارون بیاید، دو تایی برویم. حدیث داریم که

«أَنْتَ مَنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى» (بحار الانوار/ج ۵/ص ۶۹)

همینطور که هارون برای موسی بازو بود، یا علی تو هم برای پیغمبر بازو هستی.

یکی از آیات قرآن این است که موسی (علیه السلام) وقتی برگشت دید مردم سراغ گوساله رفتند. چون بنا بود سی روز بماند، سی روزش چهل روز شد، یک هنرمند مجسمه‌ساز به نام سامری طلاها را گرفت، یک گوساله‌ی طلایی ساخت، طوری هم ساخت مثل سوت‌هایی که در زمین ورزش می‌زنند، هوا که وارد می‌شد صدا می‌کرد. گفت:

«هَذَا إِلَهُكُمْ» طه/ ۸۸)

خدای شما همین است. مردم هم از خداپرستی سراغ گوساله رفتند. موسی (علیه السلام) برگشت. گفتند:

«لَنْ نَبْرَحَ عَلَيْهِ عَاكِفِينَ حَتَّى يَرْجِعَ إِلَيْنَا مُوسَى» طه/ ۹۱)

ما دست از این گوساله بر نمی‌داریم تا موسی برگردد. بعد می‌گوید:

«وَكَذَلِكَ أَنْتَ لَمَّا رُفِعَتِ الْمَصَاحِفُ» بحارالانوار/ ج ۹۷/ ص ۳۶۷)

علی جان تو هم همینطور.

وقتی قرآن‌ها را در صفین سر نیزه کردند، مردم گفتند: نه ما دست از قرآن بر نمی‌داریم. همینطور که موسی (علیه السلام) را رها کردند، رفتند سراغ گوساله، همینطور در جنگ صفین امام علی (علیه السلام) را رها کردند، چشمشان به نیزه‌ها بود. هرچه حضرت علی (علیه السلام) گفت: من قرآن واقعی هستم. قرآن ناطق من هستم. گفتند: نه قرآن سر نیزه!

«رُفِعَتِ الْمَصَاحِفُ»